اشکالات آقای سید جعفر مرتضی بر ادعای حفظ و بازتاب قراءات در رسم مصحف عثمانی

- الف) اعتراف عثمان بر وجود لحن و خطا در مصاحف
- پاسخ: مراد از لحن خطأ در اختیار القرائة، نه لحن و خطأ در انتقال قرائت
- ب) نفی اختلاف قرائات توسط امت اسلامی
- پاسخ: شواهد کثیره بر وجود مصاحف مختلف و اعتبار آن ها نزد امت اسلامیه
- ج) اختلاف رسم مصحف در کلمه واحده
- پاسخ: حل مشکل رسم المصحف با دید درست به اختلاف قراءات

الف) اعتراف عثمان بر وجود لحن و خطا در مصاحف

> أولا: إن عثمان نفسه قد اعترف: بأن المصاحف التي كتبها لأهل الامصار، تشتمل على شيء من اللحن، كما أشار غيره إلى وقوع نقص لبعض الحروف فيها و قد تقدمت الاشارة إلى ذلك، فلا نعيد ..
>
> و ثانيا: ماذا يصنع هؤلاء بتلك الاختلافات، التي لم تعترف بها الأمة، و أصرت على الاخذ ببعضها، و نبذ البعض الآخر، مع أنها موجودة في بعض مصاحف الأمصار التي كتبها عثمان ..؟!
>
> و ثالثا: ماذا يصنع هؤلاء باختلاف الرسم للكلمة الواحدة، في المصحف الواحد؟! و كيف يوجهون اسقاط الالفات في أواسط الكلمات، و الرسم الخاطيء لكثير من الكلمات؟!.**[1]**

شما اولین در ایشان را ببینید. اینها میگویند عثمان عمداً اختلاف مصاحف الامصار راگذاشت. جواب میدهند.

«أولا: إن عثمان نفسه قد اعترف: بأن المصاحف التي كتبها لأهل الامصار، تشتمل على شيء من اللحن»؛ بعد از اینکه مصحف را نوشتند خود عثمان گفت، چه کنیم؟! مصاحف مشتمل بر اشتباه است، «ستقیمه العرب بالسنتها»؛ خود عرب اینها را با زبانشان درست میخوانند. روایت معروف عثمان است. چقدر سر این روایت بحث شده است. **«كما أشار غيره إلى وقوع نقص لبعض الحروف فيها و قد تقدمت الاشارة إلى ذلك، فلا نعيد».**

---

[1] حقایق هامة حول القرآن الكريم نویسنده : العاملي، السيد جعفر مرتضى جلد : ۱ صفحه : ۲۲۱

پاسخ: مراد از لحن خطأ در اختیار القرائة، نه لحن و خطأ در انتقال قرائت

تا جایی که این مطالب در ذهن شما است، این حرف که عثمان چنین گفت، چقدر می‌تواند در قبال مسأله اختلاف مصاحف امصار در آن‌ها باشد؟

شاگرد: دو وادی است. این می‌گویی در آن لحن است. و دیگری می‌گویی قرائات مختلف در آن است.

شاگرد2: یعنی عمداً که لحن ننوشته اند. یک مصحف می‌نویسند و یک لحن می‌نویسند.

استاد: اولاً این حدیث، حدیثی است که در نقل ها آمده. آن چه را که بدنه مسلمین با اقراء های مختلف دارند؛ در طول تاریخ میلیون ها نفر شده‌اند، کاری که صورت گرفته را کالعدم در نظر بگیریم و بگوییم عثمان چنین گفته است! نکته مهم این است: شما یک جا بیاوری که یک نفری که اهل آگاهی است... ؛ یک وقتی کسی که چیزی دستش نیست. تازه برخورد کرده و چیزی می‌گوید. ما با او که کاری نداریم. کسی که اهل فضل باشد، در تاریخ اسلام یک نفر بیاوری که گفته باشد، این مصاحفی که با هم اختلاف داشتند یکی از آن‌ها اشتباه است و همانی است که عثمان گفت.

در فدکیه خطأ الکتاب را گذاشتم؛ از سعید بن جبیر، از عایشه و ... خطأ الکتاب را می‌گفتند. چهارات ، پنج جا است که کاتب اشتباه کرده است. راجع به آن مفسرین چقدر بحث دارند. یکی از آن‌ها همین «ان هذان»، یا «انّ هذان، یا «انّ هذین» است. می‌گویند این خطاء الکتاب است. باید می‌نوشتند «انّ هذین»، اما اشتباه کرده آن را با الف نوشته است. همین را جواب داده‌اند. ولی در نقل ها هست که پنج جا خطأ الکتاب است. این لحن است. خب لحن یعنی اشتباه، اگر ان اسخ اشتباه نوشته و یک «وه» اضافه کرده، چون ان اسخ اشتباه کرد و عثمان هم می‌گوید خود عرب درست می‌کنند، این «وه» بماند؟! یا اگر در آن مصحف دیگری «وه» را سهوا انداخته، ولی بعد از اینکه فهمیدند سهوا انداخته، این لحن بماند؟! چنین چیزی ممکن نیست. به خلاف اینکه اختلاف مصاحف تا به حال مانده است.

بد نیست پنج تا را سریع بخوانم. شما هم با آن چیزی که الآن در ذهنتان هست، ببینید حرف ایشان را چه اندازه می‌توانید قبول کنید و چه اندازه می‌توانید تردید کنید و چه اندازه می‌توانید سریع جواب بدهید. جلسات قبل هم گفتم. اگر خیلی از مباحثی که قبلاً مباحثه کرده‌ایم در ذهن شریفتان فعال باشد، تا من جواب های ایشان را می‌خوانم جواب حرف به ذهنتان می‌آید. اگر ایراد نباشد تردید می‌کنید که یک چیزهایی بود. اگر کلاً فراموش شده باشد می‌گویید حرف خوبی است. عثمان خودش می‌گوید که اشتباه شده. آن‌ها هفت مصحف فرستاده‌اند، در یکی از آن‌ها اشتباه شده.

شاگرد: خطأ کاتب الآن در جایی مانده؟

استاد: مفسرین خطاء را قبول ندارند. حق هم با همان ها است. سر جایش ان شاءالله عرض می‌کنم. خطأ الکاتب در کافی شریف هست، در روایات شیعه هم هست که در لسان معصومین فرموده‌اند. در کتابهای اهلسنت هم مفصل آمده است. دانی مفصل اینها را بحث می‌کند. در رسم المحصف بحث می‌کند که خطأ به چه معنا است. جواب های خیلی لطیفی هم دارد. یعنی کسی که اطلاعاتش گسترده می‌شود می‌بیند که این جواب ها درست است. یعنی گاهی خطأ، خطأ در اختیار القرائة است. این خیلی لطیف است. ما چقدر راجع به اختیار القرائة بحث کرده‌ایم! اعزه ای که در اینجا بحث می‌کنند اصلاً تصوری از اختیار القرائة ندارند. بسیاری از اعزه از اختیار القرائة تصوری ندارند اما بعد هم شروع به در کردن می‌کنند. ما که این قدر روی آن بحث کرده‌ایم، بسیاری از این خطأها وقتی خودتان را در آن فضاها قرار می‌دهید، یعنی خطأ فی الاختیار. نه خطأ در انتقال آن لفظ قبلی در اینجا. این را من نگفته ام. شاگرد بزرگ شاطبی می‌گوید. سه استاد شاگرد بودند؛ شاطبی نظام شاطبیه بود. سخاوی صاحب جمال القراء شاگرد مهم او است. شاگردش ابوشامه است. این سه استاد و شاگرد بودند که خیلی تأثیرگذار بودند. تقریباً معاصر مرحوم صاحب مجمع البیان بودند. سخاوی به‌خوبی به اینها جواب می‌دهد. جواب کسی است که یک عمر در اینها کار کرده است.

شاگرد: اولی را فرمودید؟

استاد: در اولی ایشان جواب دادند. گفتند وقتی خود عثمان می‌گوید در مصحف لحن است، دیگر ما چه بگوییم عمداً این قرائات را گذاشته‌اند؟! لحنی که او می‌گوید یکی «وَٱلْمُقِيمِينَ ٱلصَّلَوٰةَ»[1] است. باید «والمقیمون» باشد. می‌گوید املاء کننده گفته. «انّ هذین»، «إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَٱلَّذِينَ هَادُواْ وَٱلنَّصَٰرَىٰ وَٱلصَّٰبِـُٔونَ»[2]. سه-چهار آیه است که از روز اول معلوم بوده. سعید بن جبیر گفته چهار جای مصحف را نساخ اشتباه کرده است. در قرن اول این را گفته. سعید بن جبیر جزء بزرگان تابعین است. این حرفها از او نقل شده است. منظور اینکه «فی القرآن لحن» معلوم بوده که مراد این نیست. شما یک نفر بیاوری که اهل کار بوده باشد و گفته باشد این مصاحف از آن هایی است که عثمان گفت «لحن» است. نزد بدنه مسلمین و بزرگان آنها واضح بوده که این «لحن» عثمان ربطی به اختلاف مصاحف الامصار ندارد.

---

[1] النساء۱۶۲

[2] البقره ۶۲

ب) نفی اختلاف قرائات توسط امت اسلامی

دومین اشکال را ببینید:

> و ثانيا: ماذا يصنع هؤلاء بتلك الاختلافات، التي لم تعترف بها الأمة، و أصرت على الاخذ ببعضها، و نبذ البعض الآخر، مع أنها موجودة في بعض مصاحف الأمصار التي كتبها عثمان ..؟![1]

«و ثانيا: ماذا يصنع هؤلاء بتلك الاختلافات، التي لم تعترف بها الأمة»؛ اختلافاتی که امت بعد از آن قبولش نکرده‌اند.

«و أصرت على الاخذ ببعضها، و نبذ البعض الآخر، مع أنها موجودة في بعض مصاحف الأمصار التي كتبها عثمان ..؟!»؛ چرا امت بعضی از آنها را طرد کردند؟! چرا امت اصرار کردند بر قبول بعضی از آنها؟!

---

[1] حقایق هامة حول القرآن الكريم ونسندهه : العاملي، السيد جعفر مرتضى جلد : ۱ صفحه : ۲۲۱

پاسخ: شواهد کثیره بر وجود مصاحف مختلف و اعتبار آن ها نزد امت اسلامیه

شاگرد: امت چه چیزی را ترک کردند؟ شاید بعضی از مصاحفی را می‌گویی که عثمان جا گذاشت.

شاگرد۲: نه، خودش مصاحف عثمان می‌گوید.

استاد: در کتاب‌شان خیلی از این‌ها را به التهمید ارجاع می‌دهند. در التمهید می‌گوینند آلآن می‌گوینند مصحف شام به این صورت بوده؛ «انا لانجوّز القرائة بمصحف الشام»، چون آلآن که نمانده. خب حال مصحف شام نمانده. آلآن مصحف الجزائر را چه کار می‌کنید؟! والّا امت اصراری نداشتند که مصحف شام از بین برود، بلکه برعکس است. شیعه و سنی دارند؛ آلآن مجمع و تبیان را باز کنید، هر کجا در مصحف شام اختلاف داشتند، بزرگان علماء شیعه ذکر می‌کنند؛ می‌گوینند در مصحف شام این بوده. خب اگر می‌خواستند بر دفع آن اصرار کنند می‌گفتند این مصحف غلط بود! گمان من این است که صنعت چاپ در بلاد اسلامی شرقی تحت حکومت عثمانی...؛ و آن ان‌سخ معروف حافظ عثمان. اولین بار اسمش را از حاج آقا شنیدم. حافظ عثمان که این مصحف را آورد، آلآن در ذهن شریف ایشان این بوده که مصحف همین است. «احرت الامة» می‌گوینند، به گمانم منظورشان همین است. یعنی مصاحف ورش را ایشان ندیده بودند. مصاحفی هم که می‌گوینند «احرت الامة» یعنی همین مصحف حفص از عاصم که بعد از صنعت چاپ با یک چاپ، چاپ شده. و الّا الان بروید با آقایانی که محقق مصاحف هستند صحبت کنید. همانی زمانی‌که بزرگانی از شیعه و غیر شیعه بودند، مصاحف مختلفی با قرائات مختلف و با رسوم مختلفی بوده. اصلاً این واضح و آشکار است. ایشان می‌گوینند «احرت الامة». یک مورد بیاوری که امت اصرار کرده باشند که این نباشد. باید سند بیاوری. همینطور کلی بگوییم «احرت الامة»؟!

ج) اختلاف رسم مصحف در کلمه واحده

> و ثالثا: مذا يصنع هؤلاء باختلاف الرسم للكلمة الواحدة، في المصحف الواحد؟! و كيف يوجهون اسقاط الالفات في أواسط الكلمات، و الرسم الخاطيء لكثير من الكلمات؟![1]

ایشان پنج ردیه آوردهاند که در هیچکدام از آنها سر سوزنی وارد بحث اختلاف مصاحف الامصار نشدهاند. نکته این است. یعنی از جاهای دیگر حرفهایی را میآورند که اصلاً ربطی به این بحث ندارد. آنها را در این قرار میدهند. خب جواب سوم چیست؟

«و ثالثا: مذا يصنع هؤلاء باختلاف الرسم للكلمة الواحدة، في المصحف الواحد؟!»؛ در یک مصحف واحد چطور نوشته اند؟ دو جور نوشته اند. در التمهید برای این چه کار میکنند!

شاگرد: مثلاً یک جا با الف است و یک جا نیست.

---

[1] همان

پاسخ: حل مشکل رسم المصحف با دید درست به اختلاف قراءات

استاد: یک کلمه واحده است، یک جا با الف است و یک جا با الف نیست. یک جا با صاد است، یک جا با سین است. معلوم است که ناسخ در اینجا اشتباه کرده! همان جا ما چقدر مسأله اختلاف را تأکید کردیم. در همینجا مسأله اختلاف القرائات چقدر مهم است. اتفاقا جایی که دو جور نوشته

اند موید این است. «أَصْحٰبُ لْـَٔيْكَةِ»[1] چرا در مصحف واحد ناسخ دو جور نوشته؟ خب به بحث قرائاتش برویدمی‌بینی‌دکه چرا دو جور نوشته است. شما که دیدتان به قرائات منفی است می‌گویی‌د اشتباه نوشته است. اما کسی که می‌داند روی حساب در مصحف دو جور نوشته، برایش واضح است. وقتی به تفسیر مراجعه می‌کنی‌د می‌بینی‌د دم و دستگاهی به پا می‌شود.

مصحف حمص در المقنع دانی نیست. اینطور یادم هست. اینها را می‌گویم تا ملکه ذهنتان شود. ذکر مصحف اهل حمص در کتاب اصلی دانی –المقنع فی رسم المصحف- نیست. اما کجا هست؟ می‌گفتند پدر ما عقیده‌ای به کربلائی کاظم نداشت. می‌گفت من او را امتحان کردم و دیدم او غلط می‌خواند. در جرعه‌ای از دریا هم هست. می‌توان بلاواسطه از محضر ایشان پرسید. می‌گویند من از

ایشان پرسیدم و گفتم «كَلَّا وَالْقَمَرِ»[2]، فوری ادامه داد «وَالَّيْلِ إِذْ أَدْبَرَ» که اصلاً در مصحف نیست. می‌گویند گفتم اینکه نشد. بعد آقای رازی رفتند و تبیان شیخ را آوردند. دیدند قرائت ابن مسعود این است. می‌گویند من اولش پرسیدم این چه قرآنی است که به شما داده شده؟ گفت قرآن متعارف است. خب در مباحثه ما چه شد؟! چقدر جالب! در همین مصاحف امصار که عثمان فرستاده،در مصحف اهل حمص الف دارد. کربلائی کاظم هم همان را خوانده است. «و الليل اذا ادبر». یعنی این تعدد مصاحف در این فضاها این قدر مهم است. این در مصحف اهل حمص بود. ولی دانی این را در کجا آورده است؟ دانی دو کتاب مهم دارد. یکی التیسیر است که محور شاطبیه است. شاطبی آن را به شعر درآورد. کتاب دیگر مفصلش «جامع البیان فی القراءات السبع» است. بیشتر از سبع نیست. اگر یادتان باشد حرف شهید ثانی را از جامع البیان توضیح دادیم. تناقض آشکاری که این متاخرین به شهید ثانی نسبت داده‌اند، با آن بر طرف شد. وقتی آدم چیزی نمی‌داند می‌گویی شهید ثانی در یک سطر تناقض گفته! کجا این بنده خدا تناقض گفته اند؟! ما درسش را نخوانده‌یم و خبر نداریم، می‌گویی‌م تناقض گفته اند. در التمهید عبارت چه بود؟ «هفوة من عظیم»[3]! این را برای شهید ثانی‌ای بگویی‌م که درسش را خوانده؟! بگویی‌م «هفوة من عظیم». عظیم چه کسی است؟ شهید ثانی است. «هفوة» آن چیست؟ تصریح می‌کند که این قرائات «کل نزل به الروح الامین». بعد می‌گویند این جوان بوده و هنوز مطلب خیلی به دستش نبوده، اما در کتاب‌های دیگرش عدول کرده. آن صفحه‌ای که گذاشته‌ام را نگاه کنید. شهید کجا عدول کردند؟! در روض؟! همه جا همین را دوباره تکرار کردند. عدولی ندارند. این فضایی است که اختلاف مصاحف الامصار به این صورت بوده.

شاگرد: دانی در جامع البیان گفته؟

استاد: بله. من از حافظه گفتم. مصحف اهل حمص را دانی در جامع البیان مطرح کرده است. و الاّ در المقنع نیاورده است. چرا؟ باز خودش رموز فنی ای دارد. صرفاً غفلت از کار نیست. کسانی که متخصص هستند میدانند. شبیه حرف ابوعلی فارسی؛ ابوعلی فارسی گفت چون امالهٔ الف در «مالک» با سند به حضرت نرسیده، ولو قاعدتاً درست است اما ما مجاز نیستیم الف «مالک» را امالهٔ کنیم. ابو حیان در البحر المحیط گفت من برای امالهٔ آن سند دارم. شما خبر ندارید. محقق کتاب جواب خوبی به او داد. گفت این السبعهٔ ابوعلی فارسی فقط برای سبعهٔ است، شما از غیر طریق سبعهٔ سند دارید. چقدر بحثهای لطیف و مستندی است! اینکه یک کلام را از جیبشان درباورند نبوده تا ما اینطور نسبت بدهیم.

---

[1] الشعراء ۱۷۶

[2] المدثر ۳۲

[3] التمهيد في علوم القرآن، ج۲، ص: ۵۷